

فره‌یختگان انتشار پیش‌نویس برنامه‌های «جو بایدن» نامزد حزب دموکرات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که چندی پیش در کنوانسیون ملی حزب دموکرات به‌تصویب رسید حاوی دو نکته مهم درقبال ایران است. در این سند آمده است که اولاً درصورت پیروزی بایدن در انتخابات، دولت ایالات متحده به توافق هسته‌ای با ایران موسوم به «برجام» باز خواهد گشت و ثانیاً اینکه آنها ماجرای تلاش برای تغییر رژیم در ایران را از دستورکار خود خارج کرده و نوع دیگری از تعامل و مواجهه با ایران را برمی‌گزیند. انتشار این سند که البته تجربه نشان داده حداقل درخصوص موارد مربوط به ایران شامل ضمانت اجرایی و صداقت کافی نیست، باعث شده دوباره برخی اصلاح‌طلبان و خوشبینان به‌غرب‌ایده‌قبلی خودمبنی برتفکیک‌آمریکایی‌های خوب (دموکرات‌ها) از آمریکایی‌های بد (جمهوری خواهان) را پی‌گیرندو امیدوارانه به‌انتظار پیروزی بایدن در انتخابات آتی برای تغییر در رفتار آمریکا باایران بنشینند. در این‌خصوص برخی اصلاح‌طلبان دوباره رسانه‌های خود را تبدیل به ستاد انتخاباتی جو بایدن در تهران کرده و به‌استقبال پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آتی رفته‌اند. آنها درواقع امیدوارند با تغییر افراد در کاخ سفید، خروج ترامپ و آمدن بایدن فضای تقابلی میان تهران و واشنگتن به تعامل تبدیل شده و از شدت فشارها در ماجرای سیاست فشار حداکثری کاسته‌شود. همچنین برخی از آنها یک گام فراتر هم رفته و ابراز کرده‌اند بایدن آماده بازگشت به برجام و رفع تحریم‌هاست. از آنجا که این امیدواری بسیار ضعیف و بعید است، ناچاراً باید گفت این رفتارها یا از سر کم‌اطلاعی است یا یک بازی سیاسی برای بهره‌برداری داخلی درمواجهه با رقبا، که البته هرکدام از این دو درنتیجه تفاوتی ندارد و حکایت از یک رفتار سیاسی اشتباه یا حتی توأم با تزویر دارد. برای مشخص شدن علل این اشتباه سهوی یا تعمدی دلایلی وجود دارد که در ادامه برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

اول: مذاکره با دموکرات‌ها

برای اینکه ثابت شود تفاوتی میان دموکرات و جمهوری خواهان درخصوص مساله ایران وجود ندارد،راه‌نه‌چندان دشواری درپیش است. مراجعه به تاریخ چهل‌وچند ساله انقلاب گویای این است که هربار دموکرات‌ها در آمریکا بر سر کار بوده‌اند و افرادی در ایران امیدوار به حل مناقشه و ایجاد رابطه، لطمات سنگین و بغض غیرقابل‌جبرانیه به کشور وارد شده است. برای مثال در دوران ریاست‌جمهوری جیمی کارتر اولین تجربه مذاکره میان نمایندگان از جمهوری اسلامی و دولت آمریکا شکل گرفت. جشن‌های بیست‌وپنجمین سالگردانقلاب الجزایر فرصتی بود تا مقاماتی از دو کشور به مذاکره بنشینند. ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه وقت در دولت بارزگان با برژینسکی مشاور امنیت ملی کاخ سفیدواردچند دور گفت‌وگوشد تا شاید تنش‌های دو کشور ازجمله چالشی که در جریان ماجرای تسخیر لانه جاسوسی ایجاد شده بود مرتفع شود، علاوه‌بر این یزدی هم می‌گوید که برای جلوگیری از همکاری احتمالی شاه با آمریکا وارد چنین مذاکراتی شده‌است؛ مذاکراتی که البته نه‌تنهاهیچ دستاوردی نداشت، بلکه تنها چندروز بعد از آن، ایران با تحریم‌هایی مواجه شد که پیش از آن وجود نداشت. مذاکرات در اول و دوم نوامبر انجام شد و ۸ نوامبر اولین دور تحریم و طی سه‌ماه بعدی دو مرتبه دیگر ایران از سوی ایالات متحده تحریم شد. در آخرین مورد هم آنچه‌ان که همه دیدند مذاکره با دولت دموکرات یعنی اوپاما و جان کری انجام شد، ولی دستاوردش برای تهران تقریباً هیچ بود. در این مذاکرات با وجود خوشبینی‌های بزرگی که تیم ایرانی به آمریکایی‌ها داشت، اما هیچ‌استقبالی از طرف مقابل صورت نگرفت و از یک‌سو تنها چند ماه بعد از اجرای برجام به صریح‌ترین شکل ممکن حسن روحانی و محمدجواد ظریف از اختلافات آمریکایی در روند اجرای توافق سخن گفتند، مانند آنچه در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۹۵ رخ داد (عبارت «تعطیل ایالات متحده در اجرای تعهدات قانونی اش در ماه‌های گذشته اشتباهی راهبردی است که باید فوراً جبران شود.» کلیدی‌ترین جمله رئیس‌جمهور در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل بود) و از سوی دیگر همین چندی پیش وزیر امور خارجه کشورمان در نشست مجازی با اعضای شورای امنیت سازمان ملل تاکید کرد که حتی دولت پیشین

ایالات متحده هم از مجددی برای رفع تحریم‌ها نداشته است، این سوی از گنجاندن برخی عناوین در برجام برای جلوگیری از رفع تحریم‌ها در هر شرایطی است.

دوم: تلاش برای براندازی و مواجهه امنیتی با ایران

ماجرای نامه‌نگاری اردیبهشت ۱۳۸۸ از مبدأ کاخ سفید به دفتر رهبری در تهران هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود؛ نامه‌ای که در آن باراک اوپاما خواستار آغاز فصل جدیدی از مناسبات بین ایران و آمریکا شده بود و با نامه‌نگاری مستقیم از رهبر انقلاب خواسته بود که به این پیشنهاد اعتماد کند و آن را بپذیرد. کمتر از یک‌ماه بعد اما همین اوپاما در نقطه‌ای ۱۸۰درجه آن طرف‌تر ایستاد و با مشاهده آشوب و اغتشاش در ایران به‌حمایت تام‌تمام از آشوبگرانی پرداخت که پس از انتخابات دوره نهم ریاست‌جمهوری یک دروغ بزرگ را دستاویز اغتشاش کرده بودند. البته سه‌سال طول کشید تا اوپاما بفهمد آشوب و اغتشاش ناپودکننده ایران نیست و لاجرم باید دوباره به‌همان موضع اردیبهشت ۸۸ برگردد. او در بهمن ۹۱ دومین‌نامه را رهبر انقلاب نوشت، ولی هرگز تلاش‌هایش برای براندازی و فشارهای حقوقی، اقتصادی و تحریمی بزرگی که در آن روزها شامل ایران کرد از یاد نرفته است. موضوع دوم ماجرای پدید آمدن داعش است؛ گروهی که تاسیس شده بود تا استقلال کشورهایی چون ایران را نابود کند.نسبت آمریکایی‌ها با داعش را شاید هیچ‌کسی نتواند مخفی کند، آن روزهایی که داعش در عراق درمحاصره بود، امکانات آمریکا بود که هلی‌برن می‌شد و به دادشان می‌رسید، حتی اگر این را کنار بگذاریم که دموکرات‌ها بودند که زمینه‌های



سیاست

ستاد منتظران جو بایدن شعبه تهران دوباره فعال شد

فرش قرمز برای دار و دسته

آقای تحریم

تاسیس داعش را پدید آوردند و با موافقت آنها و پیگیری‌هایی که برخی کشورهای عرب منطقه انجام دادند، جمعیتی تندرو تبدیل به گروهکی مسلح وبعدا دولت اسلامی عراق و شام شد. طرح‌های آمریکا حال‌ا در همه کشورهای غرب و جنوب‌غرب آسیا شناخته شده است و همه می‌دانند این آمریکایی‌ها بودند که با چالش تروریسم منطقه را به‌آتش کشیدندو مسیر تجزیه‌کشورها ازجمله ایران و حتی عراق و ترکیه را دنبال کردند.

سوم: تحریم‌های آمریکا علیه ایران

رجوع به قوانین تحریمی ایالات‌متحده علیه ایران نشان می‌دهد که تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران در دوران دموکرات‌ها چه‌از نظر تعدادو کمیت و چه‌از نظر کیفیت، بسیار بیشتر و جدی‌تر از تحریم‌هایی است که جمهوری خواهان علیه ایران پدید آوردند. درواقع حتی می‌توان گفت تحریم‌های شکل گرفته در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ اصلتی قدیمی دارد و عمده آنها مربوط به دوران باراک اوپاما است. مرور تحریم‌های آمریکا در طول دوران انقلاب نشان می‌دهد که تا پایان دولت باراک اوپاما بار ایران به‌طور مستقیم ازسوی دولت آمریکا تحریم می‌شود، از این تعداد ۲۴ مرتبه ایران در دولت دموکرات‌ها تحریم شده و ۱۲ بار در دولت‌های جمهوری خواه قوانین تحریمی علیه ایران تصویب‌شده یا به امضای رئیس‌جمهور رسیده‌اند. علاوه‌بر این مساله کیفیت تحریم‌ها هم مهم وقابل توجه است قانون تحریم‌های ایران و لیبی که بخش مهمی از بنیان تحریم‌های اساسی ایران است که در آگوست ۱۹۹۶ ودر دولت بیل کلینتون تصویب شد. قانون جامع تحریم‌های ایران «سیسادا» در جولای ۲۰۱۰ در دولت باراک



اوپاما شکل گرفت. قانون مربوط به «اختیارات دفاع ملی در سال ۲۰۱۲» که آن هم در محدودیت فروش نفت ایران بسیار اثرگذار بود در دسامبر ۲۰۱۱ مصوب شد. علاوه‌بر این قانون ممنوعیت صدور ویزا هم مربوط به دولت اوپاما است و نهایتاً قانون «کانتسا» که مبنایی برای تروریستی خواندن سپاه پاسداران است هم در آگوست ۲۰۱۷ و در دوران اوپاما به تصویب رسید. مشروح این تحریم‌ها را در جدول همین صفحه می‌توانید ملاحظه کنید. اینها البته سواى تحریم‌های سنگینی است که با فشار دولت اوپاما به سازمان ملل علیه ایران به تصویب رسید. در این‌باره می‌توان به قطعنامه ۱۹۲۹ که مهم‌ترین و سختگیرانه‌ترین قطعنامه ضدایرانی است، اشاره کرد. قطعنامه ۱۹۲۹ شورای

۲

امنیت سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۱۰ و با پیگیری‌های دولت آمریکا به‌تصویب رسید و تحریم‌های اقتصادی شدیدی را علیه ایران وضع کرد.

چهارم: مغایرت مواضع از قول تا عمل

درحالی برخی اصلاح‌طلبان امیدوارند با حضور بایدن در کاخ سفید تحریم‌های ایران مرتفع شود که همین چندی پیش یعنی در روزهای پایانی خردادماه، مشاور ارشد جوبایدن یعنی «آنتونی بلینکن» در سخنانی که در نشست مجازی کمیته یهودیان آمریکا اظهار می‌کرد صریحاً اعلام کرد چنانچه بایدن در انتخابات پیروز شود، تمامی تحریم‌ها علیه ایران ازجمله تحریم‌های اعمال‌شده توسط ترامپ را حفظ خواهد کرد. علاوه‌بر این گفته اگر ما به برجام برگردیم از این مساله به‌همراه متحدان مان استفاده خواهیم کرد تا به مذاکره بر سر توافقی طولانی‌مدت‌تر وقوی‌تر برسیم. درکنار این موضع‌گیری صریح و شفاف، باید به‌نظر اعضای حزب دموکرات در کنگره آمریکا همه اشاره کنیم. آنهاپی که در ابتدای اردیبهشت‌ماه تیر خلاص را به برجام زدند و درمقابله با ایران حتی از جمهوری خواهان هم سبقت گرفتند. آنها در نامه‌ای که به دونالد ترامپ منتشر کردند خواستار تغییر تاکتیک کاخ سفید درمواجهه با ایران درخصوص تحریم‌های تسلیحاتی شدند و خواستند شیوه مؤثرتری برای جلوگیری از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ازسوی ترامپ در پیش گرفته شود، درحالی که لغو این تحریم‌ها جزء همان بندهایی است که در برجام آمده و جان کری پای آن را امضا کرده است.

رئیس‌جمهور	تاریخ	شماره دستور اجرایی یا نام قانون	خلاصه تحریم‌های دموکرات‌های آمریکا
جیمی کارتر	۱۲ نوامبر ۱۹۷۹	اعلامیه شماره ۴۷۰۲	
	۱۴ نوامبر ۱۹۷۹	دستور اجرایی ۱۲۱۷۰	
	۷ آوریل ۱۹۸۰	دستور اجرایی ۱۲۲۰۵	
	۱۷ آوریل ۱۹۸۰	دستور اجرایی ۱۲۲۱۱	
بیل کلینتون	۱۵ مارس ۱۹۹۵	دستور اجرایی ۱۲۹۵۷	
	۶ می ۱۹۹۵	دستور اجرایی ۱۲۹۵۹	
	۵ آگوست ۱۹۹۶	قانون تحریم‌های ایران و لیبی	
	۱۹ آگوست ۱۹۹۷	دستور اجرایی ۱۳۰۹۵	
باراک اوپاما	۱ جولای ۲۰۱۰	قانون جامع تحریم‌های ایران، ۲۰۱۰ (CISADAY۰۱۰)	
	۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰	دستور اجرایی ۱۳۵۵۳	
	۲۳ می ۲۰۱۱	دستور اجرایی ۱۳۵۷۴، ایران ۱۹۹۶ (ISA)	
	۲۰ نوامبر ۲۰۱۱	اختیارات اعمال تحریم‌های قبلی	
	۳۱ دسامبر ۲۰۱۱	قانون NDAAY۰۱۲	
	۵ فوریه ۲۰۱۲	دستور اجرایی ۱۳۵۹۹	
	۲۲ آوریل ۲۰۱۲	دستور اجرایی ۱۳۶۰۶	
	۱ می ۲۰۱۲	دستور اجرایی ۱۳۶۰۸	
	۳۰ جولای ۲۰۱۲	دستور اجرایی ۱۳۶۲۲	
	۱۰ آگوست ۲۰۱۲	قانون ITRSAY۰۱۲	
	۱۹ اکتبر ۲۰۱۲	دستور اجرایی ۱۳۶۲۸	
	۲ ژانویه ۲۰۱۳	قانون IFCA	
۳ ژوئن ۲۰۱۳	دستور اجرایی ۱۳۶۴۵		
۱۸ دسامبر ۲۰۱۵	قانون ویزا		
۱۴ ژوئن ۲۰۱۶	تمدید قانون جامع تحریم‌های ایران		
۲ آگوست ۲۰۱۷	قانون CAATSA		

گفت‌وگو

سیدجلال ساداتیان، کاردار اسبق ایران در انگلیس و کارشناس مسائل بین‌الملل است که در پی مواضع جدید «بایدن» درباره کشورمان و احتمال بازگشت به برجام درصورت پیروزی در انتخابات آمریکا به تحلیل اظهارات او هم‌چنین ذوق‌زدگی برخی رسانه‌های داخلی کشورمان در واکنش به نظرات بایدن پرداخت که مشروح این مصاحبه در ادامه می‌آید.

با توجه به صحبت اخیر بایدن، نامزد دموکرات آمریکا درخصوص بازگشت به برجام، تحلیل شما از عملکرد و مواضع دموکرات‌ها درباره کشورمان طبق منافع ملی ایالات متحده چیست؟

ما یک اشتباه کلی داریم و فکر می‌کنیم سگ زرد برادر شغال نیست، درحالی‌که هست؛ به‌هرحال ایالات‌متحده آمریکا در ارتباط با سیاست خارجی در چشم‌انداز کلان اختلاف زیادی در احزاب مختلف خود ندارد و معمولاً در کلان استراتژی خارجی خود یک حرف را بیان می‌کند و آن هم بحث حفظ منافع آمریکاست.

ما شعارهایی از ابتدای انقلاب داشتیم که قاعدتا در تعارض با خواسته‌های ایالات‌متحده آمریکا بوده است، ازجمله به رسمیت نشناختن اسرائیل، ازاین‌رو بسیار طبیعی است این مواضع عمده روسای جمهور آمریکا را تحت‌تاثیر خود قرار دهد. از سوی دیگر وقتی سفارت آمریکا در ایران اشغال می‌کنیم و ۴۴۴ روز آنها را در اینجا نگه می‌داریم، ولو اینکه قبلاً نسبت به منافع ایران کمبودها و نارسایی‌ها را ایجاد کرده باشند ولی این مساله‌ای است که ابتدای تعارض ما با آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد. از سویی آمریکایی‌ها نیز

سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با فرهیختگان:

جمهوری خواه و دموکرات هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند

ایران نباید به مواضع «بایدن» دل خوش کند

می‌دهیم بلکه تنها در حد ابراز تاسف بود. همواره فرصت‌هایی در روابط دو کشور پیش آمده تا این حالت تخصمی تا حدی تعدیل شود و طرفین نسبت به هم قدری با شرایط بهتری برخورد کنند.

برخی مقاطع ما نسبت به دموکرات‌ها خوش‌خیالی کردیم و دموکرات‌ها نشان دادند موضع ضدایرانی دارند، ازجمله در قضیه برجام یا مذاکرات دوران سازندگی درخصوص گروه‌های لبنانی و تحریم‌های کلینتون و اوپاما علیه ایران، تحلیل شما از این موارد چیست؟

تحریم‌ها از قبل برقرار شده بود و ایشان تمدید کرد؛ اما با این وجود فکری می‌کنیم آنها مجموعه‌ای هستند که کار را با هم پیش می‌برند و تصمیمات را ابلاغ می‌کنند؛ یعنی این‌طور نیست که شخص ترامپ را با شخص اوپاما در یک تراز قرار دهید و بگویید اینها با هم کاملاً مساوی هستند و به‌هرحال تفاوت‌هایی بین اشخاص از لحاظ نحوه تصمیم‌گیری وجود دارد که‌البته‌کما‌البته در ایالات‌متحده آمریکا را به‌خاطر نوع تصمیماتی که اتخاذ می‌کند، دچار چالش کرده و مشکلات فراوانی را برای این کشور در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است. البته در قضیه برجام باید گفت تصمیم بزرگ و

البته این بحث ناظر به اقدام روز گذشته روزنامه سازندگی بود که تصویر بایدن را با عنوان «بازگشت برجام و عبور از براندازی» تیتیر یک خود قرار داد، درحالی‌که آمریکایی‌ها در چهار سال اخیر نشان دادند به‌هیچ‌عنوان قابل اعتماد نیستند.

بله، تاکید من هم همین است، چراکه معتقدم هیچ کشوری قابل اعتماد نیست. هر کسی منافع خود را دنبال می‌کند. مگر روس‌ها یا چینی‌ها یا اروپایی‌ها قابل اعتماد هستند؟ مگر هر کشوری اگر فرصتی پیدا کند بخواهد دیگری را تحقیر کند، چنین‌نمی‌کند؟ همه یک‌رفتار را دارند ولی این کشورها هستند که باید متناسب با ظرفیتی که از خود ساخته‌اند از آنها به جهت منافع ملی خود بهره‌برند.

آمریکایی‌ها به اعتبار قدرت نظامی و اقتصادی خود همواره از موضع بالا با ایران حرف زده‌اند

بایدن از ابتدا گفته، دنبال براندازی نیستیم و به‌برجام برمی‌گردیم. این نقطه‌مشتی نیست که بخواهیم از آن استقبال کنیم؛ ما به همه کشورها اعلام کرده‌ایم که حاضر به گفت‌وگو هستیم ولی بحث در این است که آمریکایی‌ها به اعتبار قدرت نظامی و اقتصادی خود همواره می‌خواستند از موضع بالا با ایران حرف بزنند. طبیعتاً ایران به دنبال استقلال و عزت خود است و دنبال این حرف آمریکا را نگرفته و اهمیتی به این کار نداشته و تاکنون نیز در مقابل مذاکره با آمریکا‌نیز مقاومت کرده و این آمریکایی‌ها بودند که نتوانستند به اهداف خود دست یابند. از سوی دیگر بایدن از ابتدا مطرح کرده که قدرت و استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم و ازاین‌رو اعلام کرده حاضر هستیم وارد برجام شویم و گفت‌وگو کنیم

نمی‌اید به بایدن دل خوش کنیم

اگر بایدن یا هر فرد دیگری بیاید، ما نباید به او دلخوش کرده و خوش خیال باشیم، چراکه باید دقت کنیم در چارچوب بده و بستان‌هایی که می‌تواند به نفع طرفین باشد، منافع خود را تأمین کنیم. تمام روابط ما با چینی‌ها، روس‌ها و اروپایی‌ها همگی مثبت نیست و در جاهایی مشکلات فراوانی با آنها نیز داریم.